

## Research Paper

# Relationship Between Public Policies With Knowledge Management in Knowledge Based & High Technology Companies



Vahid Ghorbani<sup>1</sup> , \*Abolhasan Faghihi<sup>2</sup>

1. PhD Student of Management, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor of Public Administration, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Use your device to scan  
and read the article online



**Citation:** Ghorbani V, Faghihi A. (2021). [Relationship Between Public Policies With Knowledge Management in Knowledge Based & High Technology Companies (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(39), 352-379.



**Received:** 25 Oct 2020

**Accepted:** 13 Jun 2021

**Available Online:** 01 Aug 2021

### ABSTRACT

The Main Purpose of This Article Is Study "Evaluating Effectiveness of Knowledge Management with public policies in Knowledge Based and High Technology Companies." Main Problem of Research is Survey of Supportive policies in government on Knowledge Based and High tech companies and their Requirements. this article describe challenges in implementation of effectiveness policies. This Article Refer to Supportive Policies and effects on Knowledge management Success. , any supportive Policy effect on effectiveness KM Management. Main Variables Of Research Are Public Policy As Independent Variable And Knowledge management As Dependent variable. Hypothesis is: There is positive relationship between Supportive Public Policies with Knowledge management. In Terms Of Methodology, This Is a Fundamental Descriptive Research, Which Uses Survey to Find an Accurate Interaction Between The Effectiveness Of KM Strategies with Public policies. Data Collection Tools Include, Standard Questionnaire For public policies By Rhods and for KM effectiveness Is Based On A Work By Hanssen & Nohria and Nonaka Is 0.993. Data Is Collected From five Companies, With Knowledge Based or high technologies. For Analysis, According To Data Gathering, Statistical Software And Inferential Statistics And Spearman Correlation Coefficients To Find Out The Relationship Between Knowledge Management (Dependent Variable) And public policies (Independent Variable). Finally Conclusion shows that from among of Public policies (Financial and tax Incentives, transforming, Sharing experiences, Structuring, networking and Dircting); Structuring, networking and Dircting have more effect on KM effectiveness in Knowledge Based and High Tech Companies.

### Keywords:

Knowledge management,  
Public policies, High  
technology

### \* Corresponding Author:

**Abolhasan Faghihi, PhD.**

**Address:** Department of Financial Management, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University, Eslamshahr Branch, Tehran, Iran.

**E-mail:** a.faghihi@srbiau.ac.ir

## مقاله پژوهشی رابطه بین سیاست‌های دولتی با مدیریت دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته

وحید قربانی<sup>۱</sup>، ابوالحسن فقیهی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی رشته مدیریت دولتی گرایش منابع انسانی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
۲. استاد رشته مدیریت دولتی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

تاریخ دریافت: ۰۴ آبان ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۳ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: ۱۰ مرداد ۱۴۰۰

مقاله حاضر به بررسی چگونگی تأثیر سیاست‌های دولتی بر مدیریت دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان با فناوری پیشرفته، بایدها و الزاماتی که دولت در سیاست‌گذاری حمایتی یا نظارتی جهت مدیریت دانش در این شرکت‌ها باید رعایت کند و نقد و بررسی سیاست‌های دولت در این شرکت‌ها می‌پردازد. روش تحقیق این پژوهش از نظر استراتژی و هدف، یک پژوهش توصیفی، از نظر مخاطب تحقیق یک پژوهش کاربردی و از نظر بُعد زمانی پژوهش مقطعی است.

در این راستا، سؤال اصلی تحقیق این است که میزان تأثیرگذاری سیاست‌های حمایتی دولت بر میزان موفقیت مدیریت دانش شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته چگونه است؟ ضمن آنکه کدامیک از این سیاست‌ها بیشترین تأثیر را بر موفقیت استراتژی‌های مدیریت دانش شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته چگونه است؟ و کدامیک تأثیر نداشته است؟

جامعه آماری این پژوهش متشکل از ۵۱ مدیر خبره در هفت شرکت دانش‌بنیان و سازمان با فناوری‌های پیشرفته بود که داده‌ها بر اساس روش نمونه‌گیری غیراحتمالی (کیفی) قضاوتی و در دسترس گردآوری شد و نهایتاً به اثربخشی چگونگی تأثیر این سیاست‌های حمایتی دولت در قالب انتقال دانش، به اشتراک‌گذاری تجربیات، معماری، شبکه‌سازی، هدایت‌گری مورد نیاز در این شرکت‌ها پرداخت و بیان شد که دولت در کدامیک از این سیاست‌ها موفق‌تر عمل کرده است و در کدامیک نتوانسته است انتظارات شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته را برآورده کند و چه الزاماتی باید از سوی دولت رعایت شود تا اجرای موفق‌تری از حمایت را با توجه به سیاست‌های علم و فناوری نظام ارائه کند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دولت در اعمال سیاست‌های حمایتی خود در شرکت‌های با فناوری پیشرفته، نتایج متفاوتی را برای این شرکت‌ها رقم می‌زند.

### کلیدواژه‌ها:

مدیریت دانش،  
سیاست دولتی،  
فناوری پیشرفته

\* نویسنده مسئول:

دکتر ابوالحسن فقیهی

نشانی: تهران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه مدیریت دولتی.

پست الکترونیکی: a.faghihi@srbiau.ac.ir

## مقدمه

موجود، محقق را بر آن داشت که نتایج مطالعه خود را با صاحب‌نظران به اشتراک گذارد.

تأکید بر سرمایه‌گذاری روی شرکت‌های دارای فناوری پیشرفته روندی است که شامل اقداماتی از طرف دولت به عنوان یک نهاد حمایتی و سیاست‌گذار است و پتانسیل‌های موجود در شرکت فناوری پیشرفته به دلیل اهمیت رقابتی بودن و ماهیت دانشی خاص آنها در مرحله ایجاد و تجاری‌سازی این حمایت را از سوی دولت‌ها می‌طلبد.

این مطالعه به چگونگی تأثیر سیاست‌های دولت بر توسعه مدیریت دانش در این شرکت‌ها می‌پردازد و نیز بیان می‌کند که چرا برخی از این سیاست‌ها نتوانسته‌اند خواسته‌ها و انتظارات شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته را برآورده کنند و دولت باید به چه الزامات و باید‌ها و نبایدهایی در اعمال سیاست‌های حمایتی توجه کند؟

## ۱. ادبیات موضوع

برخورداری از سیاست‌های حمایتی دولت برای شرکت‌های فناوری پیشرفته متمرکز بر رشد، اغلب یک ضرورت است.

امروزه بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته با وجود تجارب و منابع محدود، که قصد ورود به بازارهای جهانی را دارند، نیازمند سیاست‌های حمایتی دولت‌ها هستند.

دولت‌های جهان استفاده از مدیریت دانش را به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تدوین و اجرای استراتژی در توسعه سیاست‌های زیربنایی و بخش‌های عمومی سازمان‌ها شروع کرده‌اند.

بر این اساس، سیاست‌های حمایتی دولت به

اهمیت نقش سیاست‌های علم و فناوری در تحقق چشم‌انداز بیست ساله کشور بر صاحب‌نظران پوشیده نیست.

بی‌تردید ارتقای تولیدات دانش و فناوری می‌تواند مسیر پیشرفت عالمانه کشور را به سمت اهداف عالی نظام سیاسی هموار سازد، اما خلق دانش و فناوری در کشور دچار نوعی کندی است و از کاربرد آن نیز رضایت چندانی وجود ندارد. (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸)

با توجه به آنکه سیاست‌های علم و فناوری نظام جمهوری اسلامی ایران به طور خلاصه درصدد تحقق اهدافی، چون تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه‌پردازی، ارتقای جایگاه جهانی کشور در علم و دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی ویژه، مدیریت دانش و پژوهش و انسجام‌بخشی در سیاست‌گذاری با توجه به تحولات علمی و فنی در منطقه و جهان است.

راهکارهای رسیدن به این اهداف در قالب سیاست‌های حمایتی دولت در قالب حمایت از تأسیس و توسعه شهرک‌ها و پارک‌های علم و فناوری، شناسایی نخبگان، پرورش استعدادها درخشان، حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی و افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به حداقل ۴ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان سال ۱۴۰۴ با تأکید بر افزایش سهم علم و فناوری در اقتصاد و درآمد ملی، ازدیاد توان ملی و ارتقای کارآمدی است.

بنابراین ارزیابی میزان موفقیت این سیاست‌های حمایتی در مدیریت دانش شرکت‌های با فناوری پیشرفته به همراه چگونگی اعمال آنها از بین سیاست‌های متنوع حمایتی داخلی و بین‌المللی

اعمال آنها بستگی دارد.

شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته اغلب به منابع بیرونی در شبکه‌های تجاری خود وابسته هستند. نوع خاصی از این شبکه‌ها شامل سازمان‌ها و نهادهای دولتی می‌شود که کار اصلی آنها تسهیل تأمین نیازمندی‌های این شرکت‌ها است (ماینلا و تاهتینن، ۲۰۰۶: ۳۱۹).

بخش بیشتر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته توسط عوامل بیرونی مانند شرایط بازار جدید و پیشرفت‌های فناوری، سیاست‌های دولتی در زمینه‌های مختلف، تعریف می‌شود. با وجود این، عوامل داخلی مانند توانایی و قابلیت افراد، ویژگی‌های تیم کارآفرینی و گرایش‌های کارآفرینی جهانی نیز تأثیر بسزایی دارد.

این عوامل داخلی، همان عواملی هستند که سیاست‌های دولتی قصد تقویت آن‌ها را دارند. حمایت‌های دولت همچنین می‌تواند فرصت‌هایی برای ایجاد شبکه‌های جدید و تقویت دانش بازار جدید به وجود آورد (Tran, 2017: 2052).

شرکت‌های دارای فناوری پیشرفته نسبت به سایر شرکت‌های داخلی و بین‌المللی نسبتاً آسیب‌پذیرتر هستند، چرا که آن‌ها به دلایل زیر چالش‌های بیشتری را دارند:

- منابع کمتری دارند.
- دانش منحصر به فردی دارند.
- مورد حمله و آسیب دولت‌های بیرونی و متخاصم هستند.
- مدیریت منابع انسانی حرفه‌ای و تخصصی بسیار دشوار است، چرا که اساساً متخصصان و

عنوان یک عامل تسهیل‌گر و واسطه‌ای در توسعه ابعاد مختلف اقتصادی، تکنولوژیک، اشتغال و کارآفرینی و کاهش وابستگی خارجی می‌تواند از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته مؤثر باشد.

مطالعات مربوط به مدیریت دانش در بخش عمومی بیشتر در کشورهای توسعه‌یافته و به طور خاص، در سه کشور ایالات متحده، کانادا و انگلیس انجام شده است. با این حال، مطالعات مربوط به کشورهای قاره آسیا نسبتاً نادیده گرفته شده، در حالی که مطالعات در حوزه مدیریت دانش در آمریکای شمالی و اروپا بیش از حد مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

از بین تمام مطالعات صورت گرفته در حیطه مدیریت دانش در بخش دولتی، ماسارو و همکاران بیان کردند که تنها ۲۷ درصد از این مطالعات در بخش کشورهای آسیایی انجام شده است.

به طور ویژه، بیشترین سهم از ۲۷ درصد مربوط به مطالعات در کشورهای آسیایی در هند و مالزی انجام شده است، در صورتی که جای کاوش و تحقیق مطالعات زمینه‌های مدیریت دانش در بخش دولتی در سایر کشورهای آسیایی هنوز خالی است؛ بنابراین این مطالعه به جمع‌آوری داده‌ها از ایران متمرکز شده است. (شوجهت و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۷۴).

دولت‌ها به گونه‌های مختلفی سیاست‌های حمایتی خود را از شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته به عنوان تولیدکننده‌های تخصصی محصولاتی که چرخه عمر کوتاه و بازار هدف متمرکز<sup>۱</sup> دارند، نشان می‌دهند. اینکه دولت‌ها تا چه حد در رشد و شکوفایی این شرکت‌ها موفق بوده‌اند، به نوع سیاست‌های حمایتی و چگونگی و نحوه

1. Niche Market

درون سازمان است. نوناکا ادعا کرد که با انتقال اطلاعات از کارکنان باتجربه به کارکنان کم‌تجربه‌تر، دانش ایجاد می‌شود. این فرایند به شکل تبادل دانش افراد آشکار می‌شود و دانش را با استفاده از مکانیسم‌های اجتماعی مختلف ترکیب می‌کند. این بازسازی و بازآفرینی دانش وسیله‌ای است که از طریق آن دانش ایجاد می‌شود (Nonaka, ۱۹۹۵: ۱۷۹).

۲- انتقال دانش همراه با فرایندهای ادغام دانش، مستلزم جابه‌جایی دانش از گروهی به گروه دیگر است؛ بنابراین اشتراک‌گذاری دانش، انتقال دانش و ادغام دانش را دربرمی‌گیرد. دانش می‌تواند توسط انواع رسانه مانند ارتباط کلامی و ابزارهای فناوری اطلاعات منتقل شود (Lianageh & Et al., ۲۱۱: ۲۰۰۹).

از طریق فرایند اشتراک دانش، دانش برای همه اعضای یک سازمان قابل دسترسی است.

۳- حفظ و نگهداری دانش برای استفاده در یک سازمان است. این روند برای حفظ و بازیابی دانش در معرض خطر، به جهت فرایندهای حیاتی سازمانی، از جمله حل مسئله، تصمیم‌گیری، نوآوری و سایر فعالیت‌های مأموریت دانش ضروری است.

دانش در افراد وجود دارد، اما برای دستیابی به اهداف سازمانی به کار می‌رود؛ بنابراین فرایند حفظ دانش، دسترسی دانش برای نیازهای سازمانی را تضمین می‌کند (Delang & Davenport, ۱۹۹۸: ۴).

به طور خلاصه، فرایندهای مدیریت دانش، ابزاری هستند که استفاده از دانش را برای توسعه تخصص و کسب بینش سازمانی ممکن می‌کنند و از طریق فرایندهای مدیریت دانش هماهنگ، سازمان‌ها از دانش برای سازگاری با تغییرات محیطی استفاده می‌کنند (Santarelli, ۲۰۱۷: ۱۰۵۲).

نخبگان در چنین شرکت‌هایی از به اشتراک‌گذاری دانش تخصصی خود برای سازمان امتناع می‌ورزند. این موضوع یکی از مسائل مهم شرکت‌های با فناوری پیشرفته در جهان، به‌ویژه حتی سیلیکون ولی<sup>۲</sup> است.

• مستندسازی و به اشتراک‌گذاری در این شرکت‌ها کار بسیار دشواری است.

• در عمل، بسیاری از شرکت‌های فناوری پیشرفته تنها به یک محصول وابسته‌اند.

با در نظر گرفتن شرایط فوق، آنها در بازارهای پیشرو در حال تجاری‌سازی فعالیت‌ها، محصولات و خدمات خود هستند. به دلیل کمبود منابع، این شرکت‌ها یا به دنبال شرکایی می‌گردند که شایستگی و مهارت آنها را تکمیل کند یا به دنبال دریافت حمایت‌های دولتی برای کاهش چالش‌های فوق‌الذکر هستند که وظیفه اصلی آنها ارائه دانش بازار، کمک به گسترش شبکه‌ها و ارزیابی نوآوری‌های فناوری با هدف ارائه خدمات خاص دیگر است.

## ۱.۱. فرایندهای مدیریت دانش

لیو، راهبرد دانش را این‌گونه تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از خطوط راهنما که تصمیمات یک سازمان را درخصوص تشخیص، کسب، توسعه، ذخیره‌سازی، مدیریت، بازیابی و به‌کارگیری دانش خود شکل می‌دهد (لیو، ۲۰۱۶: ۴۱).

محققان و متخصصان چندین فرایند را شناسایی کرده‌اند که بخشی از استراتژی‌های مدیریت دانش هستند. این فرایندها می‌توانند در سه حوزه اصلی سازماندهی شوند (Slagter, ۲۰۰۷: ۶۳).

۱- ایجاد دانش که شامل تولید دانش جدید در

2. Silicon Valley

## ۲.۱. شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری پیشرفته<sup>۳</sup>

شرکت‌های دانش‌بنیان با رویکرد گسترش اقتصاد دانش‌بنیان و با هدف هم‌افزایی علم و ثروت در حوزه فناوری، به تحقیق و توسعه پرداخته و نتایج به‌دست‌آمده از تحقیقات و ایده‌های خلاقانه را با برنامه‌ریزی دقیق اجرایی می‌کنند.

در سطح انتزاعی، فناوری را مترادف با اطلاعات، تجهیزات، فنون و فرایندهای لازم برای تبدیل داده به ستاده تعریف می‌کنند. فناوری، ترجمه واژه لاتین تکنولوژی است. این کلمه ریشه‌ای یونانی دارد و از دو کلمه تکنو<sup>۴</sup> و لوژی<sup>۵</sup> تشکیل شده است. تکنو، به معنی مهارت و آن چیزی است که آفریده انسان باشد. لوژی در یونان قدیم به معنی علم، دانش و خرد به کار می‌رفته است.

به این ترتیب، فناوری در ترکیب این دو کلمه، هنر و مهارت در دانش را تداعی می‌کند. با توجه به اینکه هویت صنایع مبتنی بر فناوری پیشرفته ناشی از دانش و فناوری‌های در حال ظهور و تکامل است. از این رو، اساس رقابت در این دسته از صنایع در فناوری و راه‌حل‌های مبتنی بر توسعه فناوری نهفته است (Hao & Sang, ۲۰۱۶: ۷۵۱).

فناوری پیشرفته اغلب به عنوان یک پدیده با ریسک بالا، فرصت‌های زیادی با مزایای زیاد را فراهم می‌کند. این فناوری‌ها از سیستم‌های عملیاتی و طراحی رایانه‌ای پیشرفته و کاملاً خودکار برخوردارند که هدف‌شان ارائه محصولات، خدمات و راهکارها با کیفیت بالا، هزینه پایین و در کوتاه‌ترین زمان ممکن است (عزیزی، ۲۰۱۱: ۱۷۹).

3. High Technokogy
4. Techno
5. Logy

از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های فناوری‌های پیشرفته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دوره عمر طولانی
- نیاز به توسعه سرمایه‌گذاری در سال‌های متعدد
- منافع متعدد غیرملموس
- افزایش بازگشت سرمایه با گذشت زمان

(Andries, ۲۰۱۳: ۲۸۸)

## ۳.۱. انواع سیاست‌های حمایتی برای شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته

سیاست حمایتی شبکه‌سازی: امروزه، شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته، عمدتاً به شبکه‌سازی‌های داخلی و خارجی نیاز دارند تا بتوانند منابع مورد نیاز خود را از آنجا دریافت کرده و محصولات تجاری‌سازی شده خود را به آنجا عرضه کنند.

بر اساس سیاست‌های علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران، نقش حمایتی دولت به صورت‌های زیر در شبکه‌سازی نشان داده می‌شود:

- توسعه و تقویت شبکه‌های ارتباطات ملی و فراملی میان دانشگاه‌ها، مراکز علمی، دانشمندان و پژوهشگران و بنگاه‌های توسعه فناوری و نوآوری داخلی و خارجی و گسترش همکاری‌ها در سطوح دولتی و نهادهای مردمی با اولویت کشورهای اسلامی.
- گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام‌بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی، به‌ویژه جهان اسلام همراه با تحکیم استقلال کشور

#### ۴.۱. سیاست حمایتی مشوق‌های مالی و مالیاتی

از آنجا که دولت در راستای سیاست‌های علم و فناوری در صدد ارائه حمایت مادی و معنوی از فرایند تبدیل ایده به محصول و افزایش سهم تولید محصولات و خدمات مبتنی بر دانش پیشرفته و فناوری داخلی در تولید ناخالص داخلی با هدف دستیابی به سهم ۵۰ درصد است؛ بنابراین این حمایت می‌تواند برای مدیریت دانش شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته بسیار مؤثر باشد.

نوملابر تفاوت‌های عملکردی شبکه در شرکت‌های دارای فناوری پیشرفته تأکید داشت. به گفته وی، در ابتدا وقتی یک شرکت فناوری پیشرفته به شبکه‌سازی فکر می‌کند، به دنبال دریافت سیاست‌های حمایتی مشوق‌های مالی و مالیاتی دولتی است که بتواند کمبود منابع این شرکت را تکمیل کند.

در خصوص مشوق‌های مالی، حمایت مستقیم مالی از کسب‌وکارها برای توسعه محصول، ارتقای طراحی محصول، تولید نمونه اولیه، نوآوری در فرایند، کسب فناوری، تغییر سازمانی، بهبود بازاریابی محصول و غیره انجام می‌شود و احتمالاً متداول‌ترین اقدام نوآوری در کشورهای صنعتی است.

انواع و اشکال این پشتیبانی‌ها متفاوت، اما هدف همه آنها کاهش ریسک کسب‌وکارها در نوآوری است. از مهم‌ترین روش‌های اعطای مشوق مالی موارد زیر را می‌توان نام برد:

الف) گزنت که درصدی از هزینه‌های تحقیق و توسعه کسب‌وکار را پوشش می‌دهد، می‌تواند برای فعالیت‌های تعریف‌شده بر اساس اولویت یا رقابت اعطا شود.

به همین دلایل ایجاد و حفظ شبکه‌های برتر و مؤثر، بخش جدایی‌ناپذیر سیاست حمایتی موفق دولتی به حساب می‌آید. شبکه‌ها به این شرکت‌ها کمک می‌کنند تا با آزمایش ایده‌ها و جمع‌آوری منابع برای تشکیل ساختارهای سازمانی جدید، فرصت‌ها را کشف کنند.

شبکه‌ها، اطلاعاتی فراهم می‌کنند که در فعالیت‌های بین‌المللی باعث سطح پایین‌تر خطر و عدم اطمینان می‌شود و دستیابی به دانش و منابع مکمل را آسان می‌کند (Viravardna, ۲۰۰۷: ۱۶۹).

با این حال، شرکت‌ها در زمینه عملکردهای خود در شبکه‌ها و حرکت به سوی شبکه‌ها مشابه نیستند. مک‌اویلی و زاهیر بیان کردند که اگرچه شرکت‌های یک منطقه منابع، ساختارهای هزینه و رفتار رقابتی مشابه دارند، اما از نظر توانایی در دستیابی و حفظ قابلیت‌های رقابتی از طریق شبکه‌های خود، با یکدیگر متفاوت هستند.

هرچه این شرکت‌ها جلوتر می‌روند، نقش سیاست‌های حمایتی برای این شرکت‌ها برای آنها پررنگ‌تر می‌شود و در صدد آن هستند که با سایر اعضا و شبکه‌هایی که دولت‌ها برای شان ایجاد کرده‌اند، روابط طولانی‌مدت ایجاد کنند تا نهایتاً، وقتی که این شرکت‌ها فعالیت‌های جهانی با تلاطم و آشوب بازارهای جهانی مواجه می‌شوند، با کمک این روابط شبکه‌ای بتوانند، خود را مستحکم‌تر نگه دارند.

شرکت‌های فناوری پیشرفته، به‌ویژه از طریق سرمایه اجتماعی در شبکه‌های ارتباطی، باعث تولید دانش و ایجاد دسترسی به بازارهای جهانی می‌شوند (پراشانتام و مک ناگتون، ۲۰۰۶: ۴۴۷).

سیاست به اشتراک‌گذاری دانش: سیاست‌های دولتی می‌توانند نقش به اشتراک‌گذاری تجارب راه، چه به طور ضمنی و چه صریح، داشته باشند. این سیاست‌ها، تجارب را از یک مکان یا موضوع به مکان یا موضوع دیگر منتقل می‌کنند.

از این رو، این حمایت‌ها ممکن است به یک شرکت اجازه دهد به جای توسعه دانش تجربی داخلی، به دانش دیگران تکیه کند. مجدداً، این اقدامات باعث ایجاد توانایی در این شرکت‌های دارای فناوری پیشرفته می‌شود و به آنها در جلوگیری از شکست کمک می‌کند.

سیاست انتقال دانش: بسانت و راش سه سیاست را در توسعه قابلیت‌های مدیریتی کلیدی شرکت‌های با فناوری پیشرفته ارائه می‌دهند. نقش اول، انتقال مستقیم دانش تخصصی کارشناس است که مک اویلی، زاهیر، و لش و دیگران نیز بر آن تأکید کرده‌اند.

بسنت و راش، دانش تخصصی کارشناس را به دانش بازار، دانش مختص وضعیت، دانش فناوری و مشاوره تقسیم می‌کنند. فلچر در فرایند جهانی‌سازی شرکت‌ها بر لزوم دانش بازار، دانش کلی جهانی‌سازی و دانش در مورد محصول و فناوری کاملاً مشابه تقسیم‌بندی بالا تأکید می‌کند.

از طریق انتقال دانش، تسهیل‌گری بیرونی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را ایجاد و تقویت کرده و از شکست جلوگیری کنند (Besant & Rash, ۱۹۹۵).

بسنت و راش نقش سیاست دوم را کارگزار اتحاد نامیده‌اند. به منظور دسترسی به خدمات متخصصان و شرکای تجاری، دولت یک نقطه ارتباطی ایجاد می‌کند. مک اویلی و زاهیر کارگزاری اتحاد را ایجاد پیوند و همبستگی با محافل اقتصادی، حرفه‌ای و

وام‌های نرم به طور مستقیم، توسط یک سازمان دولتی یا از طریق بانک‌های تجاری یا سایر واسطه‌های مالی ارائه شده است. در برخی موارد، این وام‌ها ممکن است تنها در شرایط خاص بازپرداخت شوند؛ مثلاً اگر یک پروژه توسعه محصول موفق باشد و شرکت فروش جدید را داشته باشد.

ج) ضمانت وام دولتی که برای تسهیل اعطای وام کسب‌وکار توسط بانک‌های تجاری یا سایر واسطه‌های مالی در نظر گرفته شده است و نیاز کسب‌وکار را برای تأمین وثیقه در هنگام درخواست وام کاهش می‌دهند.

د) حمایت دولتی از سرمایه‌آغازین که ناجیان کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری خطرپذیر در مراحل ابتدایی کسب‌وکار هستند و ممکن است به صورت یکی از اشکال ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری مشترک و غیره انجام شود.

مشوق‌های مالیاتی، به عنوان ابزارهایی تعریف می‌شوند که با کاهش بار مالیاتی شرکت‌ها، منجر به ترغیب آنها به سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها یا بخش‌های خاص می‌شود. مشوق‌های مالیاتی کاهش نرخ مالیات بر سود، تعطیلات مالیاتی (معافیت از مالیات برای زمان محدود)، وضع قوانین مربوط به اجازه استهلاک تسریع‌شده برای اهداف مالیاتی و کاهش تعرفه‌های تجهیزات وارداتی، اجزا و مواد اولیه یا افزایش تعرفه‌ها برای محافظت از بازار داخلی در واردات پروژه‌های سرمایه‌گذاری جایگزین را شامل می‌شوند.

اهداف دولت‌ها در اعطای مشوق‌های مالیاتی بهبود عملکرد در صادرات، انتقال فناوری، اشتغال، آموزش، ارزش‌افزوده داخلی و تشویق سرمایه‌گذاری در بخش و منطقه‌ای خاص است.



این، به معنای فعال کردن پتانسیل نوآوری این شرکت‌ها یا احتمالاً ایجاد نهادی برای جذب انبوه دانش و مهارت‌های حیاتی با هدف پشتیبانی از فناوری‌های خاص است (هولز، ۲۰۰۶: ۷۲۳).

این سیاست را می‌توان با ایجاد سازمان‌های تسهیل‌گر در توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید و حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش‌بنیان و متکی بر فناوری‌های بومی، به‌ویژه در حوزه‌های دارای مزیت و ظرفیت، با اصلاح امر واردات و صادرات کشور در قالب معماری نهادی در سیاست‌های علم و فناوری کشور مشاهده کرد، هرچند که در ابتدای راه هستیم و نهادهای موازی و ناقص در این معماری، خود مشکلی بزرگ برای این حمایت است (جدول شماره ۱).

### ۵.۱. چارچوب اثربخشی مداخلات و سیاست‌های حمایتی دولتی

در مطالعات ارزیابی سیاست، اثرات پیاده‌سازی ابزارهای سیاستی از ابعاد مختلف سنجش و ارزیابی شده است. در اغلب مطالعات نظری، اثر افزودگی در برابر اثر جایگزینی یارانه‌های دولتی بر تحقیق و توسعه و نوآوری بررسی شده است.

تدارک و ارائه حمایت‌های دولتی می‌تواند شرکت‌های دانش‌بنیان را به افزایش تلاش‌های نوآوری وادار کند که به عنوان اثر افزودگی در نظر گرفته می‌شود.

در مقابل، شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته ممکن است با برخورداری از این سیاست‌های حمایتی، سرمایه‌گذاری خود در نوآوری را با تأمین مالی دولتی جایگزین کنند که در این صورت میزان منابع در نظر گرفته‌شده

اجتماعی می‌دانند که در غیر این صورت برای این شرکت‌ها در دسترس نیست.

سیاست سوم را هدایت‌گری می‌نامند. طبق نظریه هاولز، دولت‌ها در سطح عملی می‌توانند به آنها در شناسایی شرکا کمک کنند، تصمیم‌گیری‌ها را حمایت کنند و مقدمات قراردادی را بین طرفین تسهیل دهند. علاوه بر این، بر نقش میانجی‌گری در روابط و گشایش شبکه تأکید شده است.

همچنین این سیاست حمایتی به عنوان واسطه‌گری فعال میان طرفین، احتمالاً در هدف‌گیری اقدامات در شرکت‌های فناوری پیشرفته و در نتیجه، کاهش هزینه‌های تحقیق، توسعه و مدیریت دانش، نقش دارد که تبلور آن در سیاست‌های حمایتی انتقال دانش در کشور به صورت زیر بیان شده است:

- اهتمام بر انتقال فناوری و کسب دانش طراحی و ساخت برای تولید محصولات در داخل کشور با استفاده از ظرفیت بازار ملی در مصرف کالاهای وارداتی.

- استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج کشور و جذب متخصصان و محققان برجسته سایر کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی بر حسب نیاز.

- تبدیل ایران به مرکز ثبت مقالات علمی و جذب نتایج پژوهش‌های محققان، نخبگان علمی و نوآوران سایر کشورها، به‌ویژه جهان اسلام.

سیاست حمایتی معماری: در این سیاست دولت نقش تشخیصی دارد. آنها به شرکت‌ها کمک می‌کنند تا نیازهای نوآوری خاص خود را تعریف و بیان کنند یا مستقیماً در ارزیابی و توسعه نوآوری کمک می‌کنند.

در واقع، در این رویکرد، میزان افزایش در خروجی‌های شرکت‌ها به دلیل حمایت‌های دولتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. رویکرد افزودگی رفتاری در سال ۱۹۹۵ توسط جرجیو و همکاران به منظور تکمیل معیارهای سنتی ارزیابی اثربخشی سیاست (اثر افزودگی ورودی و خروجی) ارائه شده است.

آنها این گونه استدلال کرده‌اند که این واقعیت که شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته به دلیل حمایت‌های دولتی در تحقیق و توسعه هزینه می‌کند (افزودگی ورودی) یا خروجی‌های بیشتری به دلیل حمایت‌های دولتی ایجاد می‌کند (افزودگی خروجی) برای ارزیابی موفقیت یک سیاست یا طراحی یک سیاست جدید کافی نیست.

بنابراین پیشنهاد کردند که آنچه درون شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته در نتیجه سیاست‌های حمایتی اتفاق می‌افتد با پرسیدن این سؤال تحلیل شود که «سیاست مورد بحث، چه تفاوتی در موفقیت و عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته که از آن حمایت برخوردار شده یا نشده‌اند، دارد؟»،

## ۱.۶. الزامات و بایدهای دولت در اعمال سیاست‌های حمایتی از شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری پیشرفته

اجرای کامل سیاست‌های حمایتی در مدیریت دانش شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته، به دلیل موانع و عوامل بازدارنده بسیار زیاد و متنوع که برخی از آن‌ها را نمی‌توان کامل تحت کنترل درآورد، معمولاً امکان‌پذیر نیست، ولی دولت باید به آنها به عنوان یک الزام دقت داشته باشد:

۱- اولویت‌گذاری سیاست‌ها: یکی از موانعی که دولت هنوز نتوانسته است سیاست‌های حمایتی خود

بخش خصوصی برای نوآوری با دریافت حمایت دولتی کاهش یا حذف می‌شود که این به معنی اثر جایگزینی است.

مطالعات ارزیابی این اثرات در قالب سه رویکرد اثر افزودگی ورودی، خروجی و رفتاری بررسی می‌شود: در مهم‌ترین رویکرد، یعنی افزودگی ورودی، منطق کلیدی سیاست‌های حمایتی، وجود سرریز دانش در جریان فعالیت‌های تحقیق و توسعه است.

مشوق‌های مالی و مالیاتی راهی برای جبران این هزینه است که باید افزودگی ورودی که همان افزایش تلاش‌های تحقیق و توسعه در شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته است را افزایش دهد. این بُعد با اهمیت است، زیرا عدم اطمینان نتایج و عدم تقارن اطلاعات باعث می‌شود تا نهادهای مالی از حمایت از تلاش‌های تحقیق و توسعه شرکت‌ها دور شوند.

یک منطق ضمنی در تحقق افزودگی ورودی این است که تحقیق و توسعه بیشتر باعث نوآوری بیشتر خواهد شد.

نوآوری‌های بیشتر منجر به رقابت بهتر شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته در بازار داخلی و حتی در صادرات می‌شود و در نهایت، افزایش رقابت‌پذیری مشاغل بیشتری را ایجاد می‌کند که هدف تحقیق و توسعه است.

دومین رویکرد، افزودگی خروجی است که نسبت به رویکرد قبل، در مطالعات ارزیابی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این رویکرد، توانایی سیاست‌های حمایتی در تولید خروجی‌های نوآورانه، رشد و بهره‌وری بیشتر شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته مدنظر است.

جدول ۱. سیاست‌های حمایتی دولت‌ها در موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان

| شرح  | نقش                     |
|--|-------------------------|
| انتقال دانش متخصصان در بازارها، جهانی‌سازی محصول / فناوری با هدف کمک به ایجاد قابلیت‌ها در شرکت‌های هدف.   | انتقال دانش             |
| انتقال تجارب و ایده‌ها از یک بستر و موضوع به زمینه دیگر با هدف کمک به ایجاد قابلیت‌ها و جلوگیری از شکست در شرکت‌های هدف.   | به اشتراک‌گذاری تجربیات |
| شناسایی سازمان‌ها با قابلیت‌های مکمل و جست‌وجوی شرکای احتمالی برای ایجاد قابلیت دیده شدن، کارایی و صمیمیت در سطح کلان  | معماری                  |
| فعالیت به عنوان کانال معرفی و تأمین مخاطب‌ها و روابط، با هدف کمک به هدفمند کردن اقدامات شبکه‌سازی شرکت‌های کوچک و در نتیجه، کاهش هزینه‌های تحقیق و افزایش قابلیت دیده شدن، کارایی و صمیمیت در سطح بین سازمانی. | شبکه‌سازی               |
| اطمینان از این مسئله که همکاری بین شرکا هماهنگ و در تعادل با استراتژی شرکت کوچک برای کمک به جلوگیری از شکست و افزایش قابلیت دیده شدن، کارایی و صمیمیت در سطح تیم است   | هدایت‌گری               |
| درصد است تا بتواند کمبود منابع مالی مؤسسات را جبران کنند و به آنها اجازه دهند تا سایر منابع مورد نیاز را تأمین کرده و اهداف تجاری‌سازی و انتقال دانش را محقق کنند.   | مشوق‌های مالی و مالیاتی |

تکرار بدون پیشرفت سیاست‌ها شده است.

۳- استفاده از آینده‌نگری در تدوین سیاست‌های حمایتی: با توجه به آنکه شرکت‌های دانش‌بنیان و مبتنی بر لبه دانشی خودشان، مفاهیمی نو و جدید در جهان محسوب می‌شوند و به شدت بر پایه‌های آینده‌نگری و آینده‌سازی استوار هستند؛ بنابراین استفاده از دیدگاه آینده‌پژوهانه و آینده‌نگارانه بسیار در صنعت، فناوری، آینده بازار، محصول، ماهیت و مهارت منابع انسانی بسیار مورد تأکید است.

۴- جلوگیری از استفاده از سیاست‌های حمایتی مطالعه نشده و یا بومی نشده: برای تعریف مسائل شرکت‌های دانش‌بنیان و سیاست‌های حمایتی مورد نیاز جهت حل آن، باید وضعیت موجود به درستی و به طور شفاف و واقعی بررسی شود و از برخی سیاست‌های حمایتی خوش‌بینانه و غیرواقعی که اثربخشی آنها حتی در دیگر کشورها مورد تردید است و شرایط زیرساختی، مدیریتی، فرهنگی،

را به درستی به اجرا گذارد، دشواری اولویت‌گذاری حوزه‌های علم و فناوری به نوع صنایع فناوری پیشرفته (نانو، زیست‌فناوری، کشاورزی، انرژی‌های تجدیدپذیر، مواد پیشرفته، ...) نوع حمایت (مالی، معماری، شبکه‌سازی، به اشتراک‌گذاری دانش، انتقال دانش و...) و فشارهای گروه‌های مختلفی (سیاسی، نظامی و...) بستگی دارد که اولویت‌ها را تغییر می‌دهند.

نتایج این مقاله دقیقاً بر این تأکید دارد که دولت کدام سیاست‌ها را بسته به نوع حوزه مدیریت دانش بایستی اعمال کند تا موفقیت حمایتی‌اش تضمین شود.

۲- جلوگیری از کمال‌گرایی: از سوی دیگر تمایل به گنجانیدن هر آنچه خوب است در مقاصد دولتمردان کشور، بدون توجه به لزوم محدود کردن تعداد اهداف مورد نظر در دوره‌های زمانی، به ویژه باعث ناتوانی در دستیابی به اهداف و در نتیجه،

برای حمایت از گروه‌های مختلف شرکت‌های تجاری، وضع قوانین زائد و دست‌وپا گیر. (مومنی و عیلازاده، ۱۳۹۲).

### ۱.۷. مدل مفهومی تحقیق

با توجه به آنچه از مطالعه و بررسی ادبیات تحقیق سیاست‌های دولتی و مدیریت دانش و بررسی پیشینه‌های تحقیقات قبلی طرح شد (تصویر شماره ۱).

### ۲. روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله تلاش شده است تا رابطه بین سیاست‌های دولتی و مدیریت دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری‌های پیشرفته بررسی شود؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که روش تحقیق از نظر استراتژی و هدف یک پژوهش توصیفی، از نظر مخاطب استفاده از تحقیق یک پژوهش کاربردی و از نظر بُعد زمانی پژوهش مقطعی است.

در این راستا، سؤال اصلی تحقیق این است که میزان تأثیرگذاری سیاست‌های حمایتی دولت بر میزان موفقیت مدیریت دانش شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته چگونه است؟

ضمن آنکه کدام یک از این سیاست‌ها بیشترین تأثیر را بر موفقیت استراتژی‌های مدیریت دانش شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته چگونه است؟ و کدام نداشته است؟

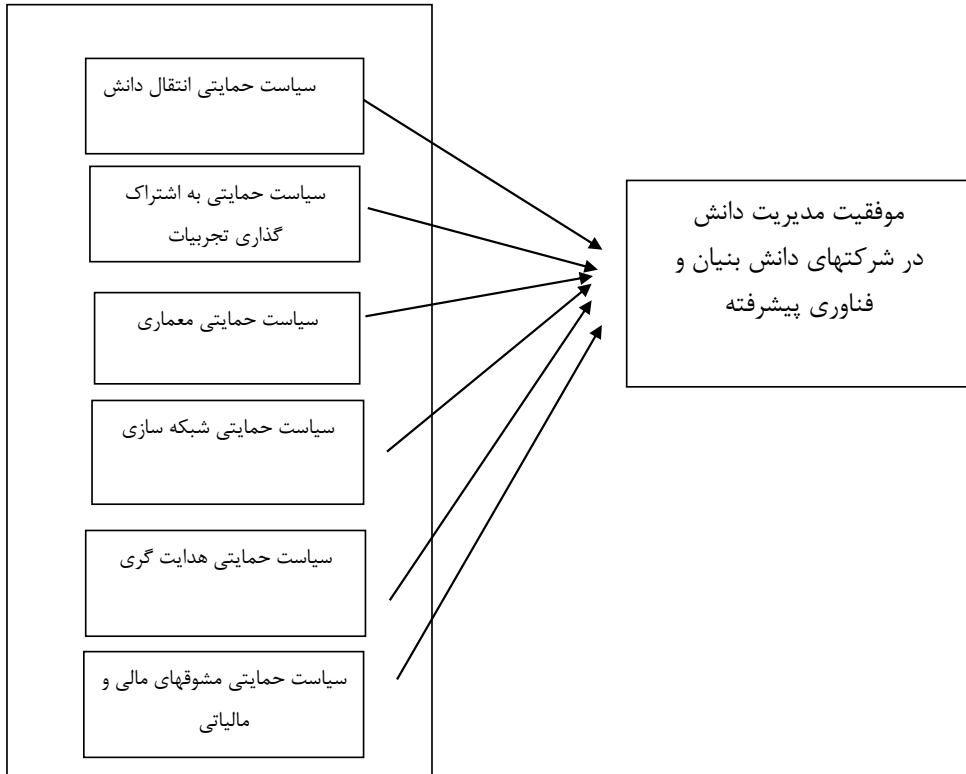
بنابراین برای پاسخگویی به این سؤالات از روش طراحی عاملی استفاده شد که از مهم‌ترین نوع طراحی آزمایش‌ها است و به این معنی است که یک سیستم به طور هم‌زمان با تغییر عوامل مختلف، برای اثبات اثرات و تعاملات آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

فناوری و دانشی ایران در تدوین و اعمال آنها پاسخگو نیست، به شدت پرهیز شود. به عنوان مثال، هنوز در ستاد راهبری نقشه جامعه و حتی کشور، نهادی برای شناسایی موانع اجرای اسناد سیاست علم و فناوری کشور وجود ندارد.

۵- تأکید بر دیدگاه فرابخشی: توجه صرف دستگاه‌های دولتی به منافع بخشی خود و سلیقه‌محوری به جای سیاست‌محوری از عوامل اصلی هستند که باعث می‌شوند سیاست‌ها به درستی اجرا نشود. رعایت نکردن توالی منطقی در مراحل سیاست‌گذاری حمایتی با توجه به اهداف مدیریت دانش در شرکت‌هایی با فناوری پیشرفته و دانش‌بنیان طبق تحقیقات معتبر، مشابه تحقیقاتی که اثربخشی سیاست‌های حمایتی را با توجه به نوع صنعت، ماهیت سازمان، اهداف دولتی مورد انتظار، شرایط متغیر جهانی و منطقه‌ای، تبعیت از اسناد بالادستی کشور (چشم‌انداز ۱۴۰۴) بررسی می‌کنند، باید مورد توجه قرار گیرند.

۶- جلوگیری از سایه انداختن ساختارهای دیوان‌سالار و جزیره‌ای بر اعمال سیاست‌های حمایتی: برای نتیجه‌بخشی سیاست‌های علم، فناوری و نوآوری کشور، بر حرکت تدریجی در جهت ایجاد یا تقویت نهادهای لازم تأکید شود. بدین منظور وضعیت دو معیار مهم، یعنی سطح قابلیت‌های نهادی و قابلیت‌های علمی و فناورانه بایستی مورد بررسی قرار گیرد.

در این راستا، تعدادی از مهم‌ترین موانع از منظر نهادهای عبارت‌اند از: عدم توجه دولت به سرمایه‌گذاری شرکت‌های تجاری در تحقیق و توسعه برای توسعه اقتصادی، استانداردهای قانونی ضعیف، نظام‌های مالی توسعه‌نیافته، فقدان زیرساخت مناسب کسب‌وکار، فقدان سازمان‌های منعطف و مستقل



### نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی نیز به شرح زیر هستند:

- بین سیاست حمایتی انتقال دانش و موفقیت مدیریت دانش در شرکتهای دانش بنیان و دارای فناوریهای پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین سیاست حمایتی به اشتراک گذاری تجربیات و موفقیت مدیریت دانش در شرکتهای دانش بنیان و دارای فناوریهای پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین سیاست حمایتی معماری و موفقیت

در یک طرح عاملی در هر اجرای کامل با تکرار آزمایش، تمام ترکیب‌های حاصل از سطوح عامل‌های مورد نظر بررسی می‌شود. این طرح، آزمایشگر را قادر می‌سازد تا اثرات هر یک از عامل‌ها (اثرات اصلی) را به طور مجزا بررسی و وجود اثر متقابل بین عامل‌ها را ارزیابی کند. گردآوری و کیفیت داده‌های شرکتهای دانش بنیان در شش سیاست حمایتی که این شرکتهای دریافت کرده بودند، بررسی شد.

فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از:

بین سیاست‌های دولتی و موفقیت مدیریت دانش در شرکتهای دانش بنیان و دارای فناوریهای

دانش

در حوزه نمونه‌گیری‌های کیفی این تحقیق از روش هدفمند یا قضاوتی بهره گرفت. از این رو، محقق خبرگانی را انتخاب کرد که بیشترین شناخت را داشته باشند که این خبرگان شامل مدیران کارخانه، تولید، طرح و برنامه، مهندسی و تحقیق و توسعه، فناوری اطلاعات، تضمین کیفیت، مدیران مالی و سرمایه‌گذاری می‌شوند.

جامعه آماری متشکل از حدود ۵۱ مدیر خبره در هفت شرکت دانش‌بنیان (در حوزه‌های زیست فناوری، نانو، فناوری اطلاعات سخت‌افزار و نرم‌افزار، موادپیشرفته و نیمه‌هادی‌ها) و سازمان با فناوری‌های پیشرفته بود که اطلاعات مورد نیاز از ایشان دریافت شد.

به منظور تجزیه و تحلیل به‌دست‌آمده از نتایج پرسش‌نامه‌ها با در نظر گرفتن زمینه شرکت‌های فناوری‌های پیشرفته از روش‌های آمار استنباطی و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد (جدول شماره ۲).

### ۳. یافته‌های پژوهش

هرگاه داده‌ها به صورت رتبه‌ای جمع‌آوری شده باشند یا به رتبه تبدیل شده باشند، می‌توان از همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن یا  $p$  اسپیرمن استفاده کرد که با توجه به آن نتایج زیر نشان داده می‌شود:

در بررسی فرضیه اصلی که بیان می‌کند بین سیاست‌های دولتی و موفقیت مدیریت دانش در شرکت‌های با فناوری پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد، تأثیر همه متغیرهای مستقل را در قالب متغیر سیاست حمایتی دولتی محاسبه کرده و در آخر آزمون اسپیرمن را انجام داده و نتایج در جدول

مدیریت دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری‌های پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد.

• بین سیاست حمایتی شبکه‌سازی و موفقیت مدیریت دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری‌های پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد.

• بین سیاست حمایتی هدایت‌گری و موفقیت مدیریت دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری‌های پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد.

متغیرهای اصلی تحقیق سیاست دولت به عنوان متغیر مستقل و موفقیت مدیریت دانش به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و تحقیق بر اساس مطالعات آرشویی و تحقیقات میدانی صورت پذیرفت.

برای روایی پرسش‌نامه‌ها، تحقیق از پرسش‌نامه مدیریت دانش بر اساس تحقیقات هانس و نوریانو و تاکه اوچی و برای سیاست حمایتی دولت از پرسش‌نامه آقای رودز بهره گرفته شده است و برای پایایی پرسش‌نامه‌ها از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است.

این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری به کار می‌رود. در این پژوهش ضریب پایایی پرسش‌نامه‌های استاندارد پس از تعدیلات لازم در پرسش‌نامه استاندارد، تقریباً ۷۳ درصد بوده است.

همچنین برای جامعه آماری تحقیق شرکت‌هایی انتخاب شد تا از معیارهای زیر برخوردار باشند:

- برخوردار از فناوری پیشرفته
- شرکت‌های خصوصی و دانش‌بنیان تولیدی
- وجود سابقه‌ای از استقرار سیستم‌های مدیریت

## جدول ۲. پایایی تحقیق

| ردیف | متغییر مستقل                         | تعداد پرسش‌نامه | صحت      | ضریب آلفای کرونباخ |
|------|--------------------------------------|-----------------|----------|--------------------|
| ۱    | سیاست حمایتی انتقال دانش             | ۵۱              | ۱۰۰ درصد | ۰/۸۷۷              |
| ۲    | سیاست حمایتی به اشتراک‌گذاری تجربیات | ۵۱              | ۱۰۰ درصد | ۰/۸۲۲              |
| ۳    | سیاست حمایتی معماری                  | ۵۱              | ۱۰۰ درصد | ۰/۸۳۵              |
| ۴    | سیاست حمایتی شبکه‌سازی               | ۵۱              | ۱۰۰ درصد | ۰/۸۶۱              |
| ۵    | سیاست حمایتی هدایت‌گری               | ۵۱              | ۱۰۰ درصد | ۰/۸۲۷              |
| ۶    | سیاست حمایتی مشوق‌های مالی و مالیاتی | ۵۱              | ۱۰۰٪     | ۰/۸۴۷              |

شماره ۳ ارائه شده است.

می‌کند بین سیاست حمایتی انتقال دانش و موفقیت مدیریت دانش در شرکت‌های با فناوری‌های پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد، نتایج در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود معیار تصمیم‌گیری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است؛ بنابراین با اطمینان بالای ۹۹ درصد می‌توان گفت بین سیاست حمایتی انتقال دانش و متغیر وابسته

مطابق با نتایج جدول شماره ۸، معیار تصمیم‌گیری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است؛ بنابراین با اطمینان بالای ۹۹ درصد می‌توان گفت فرض صفر رد شده و بین متغیرهای سیاست حمایتی دولت و موفقیت مدیریت دانش باتوجه به ضریب اسپیرمن ۰/۸۱۹ ارتباط مستقیم وجود دارد.

همچنین در بررسی فرضیه اول فرعی که بیان

## جدول ۳. آزمون اسپیرمن بین سیاست حمایتی دولت و موفقیت مدیریت دانش

| Correlations                         |                         |         |         |
|--------------------------------------|-------------------------|---------|---------|
| موفقیت مدیریت دانش سیاست حمایتی دولت |                         |         |         |
|                                      | Correlation Coefficient | ۱,۰۰۰   | ۰,۸۱۹** |
| سیاست حمایتی دولت                    | Sig. (2-tailed)         | .       | ۰,۰۰۰   |
|                                      | N                       | ۵۱      | ۵۱      |
| Spearman's rho                       | Correlation Coefficient | ۰,۸۱۹** | ۱,۰۰۰   |
| موفقیت مدیریت دانش                   | Sig. (2-tailed)         | ۰,۰۰۰   | .       |
|                                      | N                       | ۵۱      | ۵۱      |

جدول ۴. آزمون اسپیرمن بین سیاست حمایتی انتقال دانش و موفقیت مدیریت دانش

| Correlations                                |                         |         |         |
|---|-------------------------|---------|---------|
| موفقیت مدیریت دانش سیاست حمایتی انتقال دانش |                         |         |         |
|   | Correlation Coefficient | ۱.۰۰۰   | ۰.۸۱۵** |
| سیاست حمایتی<br>انتقال دانش                 | Sig. (2-tailed)         | .       | .۰۰۰    |
|   | N                       | ۵۱      | ۵۱      |
| Spearman's rho                              | Correlation Coefficient | ۰.۸۱۵** | ۱.۰۰۰   |
|   | Sig. (2-tailed)         | .۰۰۰    | .       |
| موفقیت مدیریت<br>دانش                       | N                       | ۵۱      | ۵۱      |

مطابق با نتایج جدول شماره ۹ معیار تصمیم‌گیری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است؛ بنابراین با اطمینان بالای ۹۹ درصد می‌توان گفت بین متغیرهای سیاست حمایتی به اشتراک‌گذاری تجربیات و موفقیت مدیریت دانش با ضریب اسپیرمن ۰/۶۴۳ ارتباط مستقیم وجود دارد.

نتایج بررسی در فرضیه فرعی سوم؛ بین سیاست

موفقیت مدیریت دانش با توجه به ضریب اسپیرمن ۰/۸۱۵ ارتباط مستقیم وجود دارد.

از سوی دیگر، در فرضیه فرعی دوم؛ بین سیاست حمایتی به اشتراک‌گذاری تجربیات و موفقیت مدیریت دانش در شرکت‌های با فناوری‌های پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد. نتایج در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. آزمون اسپیرمن بین مهارت به اشتراک‌گذاری تجربیات و مدیریت دانش

| Correlations                               |                         |         |         |
|--|-------------------------|---------|---------|
| موفقیت مدیریت دانش به اشتراک‌گذاری تجربیات |                         |         |         |
|  | Correlation Coefficient | ۱.۰۰۰   | ۰.۶۴۳** |
| به اشتراک‌گذاری<br>تجربیات                 | Sig. (2-tailed)         | .       | .۰۰۰    |
|  | N                       | ۵۱      | ۵۱      |
| Spearman's rho                             | Correlation Coefficient | ۰.۶۴۳** | ۱.۰۰۰   |
|  | Sig. (2-tailed)         | .۰۰۰    | .       |
| موفقیت مدیریت<br>دانش                      | N                       | ۵۱      | ۵۱      |



جدول ۶. آزمون اسپیرمن بین سیاست حمایتی معماری و موفقیت مدیریت دانش

| Correlations        |                         |                     |                    |
|---------------------|-------------------------|---------------------|--------------------|
|                     |                         | سیاست حمایتی معماری | موفقیت مدیریت دانش |
| Spearman's rho      | Correlation Coefficient | ۱.۰۰۰               | .۷۱۹**             |
|                     | Sig. (2-tailed)         | .                   | .۰۰۰               |
|                     | N                       | ۵۱                  | ۵۱                 |
|                     | Correlation Coefficient | .۷۱۹**              | ۱.۰۰۰              |
| سیاست حمایتی معماری | Sig. (2-tailed)         | .                   | .۰۰۰               |
|                     | N                       | ۵۱                  | ۵۱                 |
|                     | Correlation Coefficient | .۷۱۹**              | ۱.۰۰۰              |
| موفقیت مدیریت دانش  | Sig. (2-tailed)         | .۰۰۰                | .                  |
|                     | N                       | ۵۱                  | ۵۱                 |
|                     | Correlation Coefficient | .۷۱۹**              | ۱.۰۰۰              |

معماری و موفقیت مدیریت دانش با توجه به ضریب اسپیرمن ۰/۷۱۹ ارتباط مستقیم وجود دارد. از سوی دیگر در فرضیه فرعی چهارم؛ بین سیاست حمایتی شبکه‌سازی و موفقیت مدیریت دانش در شرکت‌های با فناوری‌های پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد (جدول شماره ۷).

حمایتی معماری و موفقیت مدیریت دانش در شرکت‌های با فناوری‌های پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد (جدول شماره ۶).

مطابق با مشاهدات، معیار تصمیم‌گیری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است؛ بنابراین با اطمینان بالای ۹۹ درصد می‌توان گفت بین متغیرهای سیاست حمایتی

جدول ۷. آزمون اسپیرمن بین سیاست حمایتی شبکه‌سازی و موفقیت مدیریت دانش

| Correlations           |                         |                        |                    |
|------------------------|-------------------------|------------------------|--------------------|
|                        |                         | سیاست حمایتی شبکه‌سازی | موفقیت مدیریت دانش |
| Spearman's rho         | Correlation Coefficient | ۱.۰۰۰                  | .۶۸۹**             |
|                        | Sig. (2-tailed)         | .                      | .۰۰۰               |
|                        | N                       | ۵۱                     | ۵۱                 |
|                        | Correlation Coefficient | .۶۸۹**                 | ۱.۰۰۰              |
| سیاست حمایتی شبکه‌سازی | Sig. (2-tailed)         | .                      | .۰۰۰               |
|                        | N                       | ۵۱                     | ۵۱                 |
|                        | Correlation Coefficient | .۶۸۹**                 | ۱.۰۰۰              |
| موفقیت مدیریت دانش     | Sig. (2-tailed)         | .۰۰۰                   | .                  |
|                        | N                       | ۵۱                     | ۵۱                 |
|                        | Correlation Coefficient | .۶۸۹**                 | ۱.۰۰۰              |

جدول ۸. آزمون اسپیرمن بین سیاست حمایتی هدایت‌گری و موفقیت مدیریت دانش

| Correlations                              |                         |                   |                   |
|---|-------------------------|-------------------|-------------------|
| موفقیت مدیریت دانش سیاست حمایتی هدایت‌گری |                         |                   |                   |
|   | Correlation Coefficient | ۱.۰۰۰             | ۸۵۲ <sup>**</sup> |
| سیاست حمایتی هدایت‌گری                    | Sig. (2-tailed)         | .                 | .۰۰۰              |
|   | N                       | ۵۱                | ۵۱                |
| Spearman's rho                            | Correlation Coefficient | ۸۵۲ <sup>**</sup> | ۱.۰۰۰             |
|   | Sig. (2-tailed)         | .۰۰۰              | .                 |
|   | N                       | ۵۱                | ۵۱                |

شرکت‌های با فناوری‌های پیشرفته رابطه مستقیم وجود دارد (جدول شماره ۸).

مطابق با مشاهدات، معیار تصمیم‌گیری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است؛ بنابراین با اطمینان بالای ۹۹ درصد می‌توان گفت بین متغیرهای سیاست حمایتی هدایت‌گری و موفقیت مدیریت دانش با توجه به ضریب اسپیرمن ۰/۸۵۲ ارتباط مستقیم وجود دارد

مطابق با مشاهدات، معیار تصمیم‌گیری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است. لذا با اطمینان بالای ۹۹٪ می‌توان گفت بین متغیرهای سیاست حمایتی شبکه‌سازی و موفقیت مدیریت دانش با توجه به ضریب اسپیرمن ۰/۶۸۹ ارتباط مستقیم وجود دارد.

در بررسی فرضیه فرعی پنجم؛ بین سیاست حمایتی هدایت‌گری و موفقیت مدیریت دانش در

جدول ۹. آزمون اسپیرمن بین سیاست مشوق‌های مالی و مالیاتی و موفقیت مدیریت دانش

| Correlations                                     |                         |                   |                   |
|--|-------------------------|-------------------|-------------------|
| موفقیت مدیریت دانش سیاست مشوق‌های مالی و مالیاتی |                         |                   |                   |
|  | Correlation Coefficient | ۱.۰۰۰             | ۸۸۳ <sup>**</sup> |
| سیاست مشوق‌های مالی و مالیاتی                    | Sig. (2-tailed)         | .                 | .۰۰۰              |
|  | N                       | ۵۱                | ۵۱                |
| Spearman's rho                                   | Correlation Coefficient | ۸۸۳ <sup>**</sup> | ۱.۰۰۰             |
|  | Sig. (2-tailed)         | .۰۰۰              | .                 |
|  | N                       | ۵۱                | ۵۱                |

## جدول ۹. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

| ردیف | فرضیه‌ها (ارتباط متغیرها با موفقیت مدیریت دانش)            | ضریب همبستگی اسپیرمن | ضریب مجذور خی دو | معناداری آزمون | نتیجه آزمون HO |
|------|--|----------------------|------------------|----------------|----------------|
| ۱    | سیاست حمایتی دولت با موفقیت مدیریت دانش                    | ۰/۸۱۹                | ۵۹/۸۲۱           | ۰,۰۰۰          | تأیید          |
| ۲    | سیاست حمایتی انتقال دانش با موفقیت مدیریت دانش             | ۰/۸۱۵                | ۶۳/۱۵۴           | ۰,۰۰۰          | تأیید          |
| ۳    | سیاست حمایتی به اشتراک‌گذاری تجربیات با موفقیت مدیریت دانش | ۰/۶۴۳                | ۶۰/۲۰۵           | ۰,۰۰۰          | تأیید          |
| ۴    | سیاست حمایتی معماری با موفقیت مدیریت دانش                  | ۰/۷۱۹                | ۶۷/۳۵۶           | ۰,۰۰۰          | تأیید          |
| ۵    | سیاست حمایتی شبکه‌سازی با موفقیت مدیریت دانش               | ۰/۶۸۹                | ۶۱/۲۳۱           | ۰,۰۰۰          | تأیید          |
| ۶    | سیاست حمایتی هدایت‌گری با موفقیت مدیریت دانش               | ۰/۸۵۲                | ۶۴/۷۹۳           | ۰,۰۰۰          | تأیید          |
|      | سیاست حمایتی مشوق‌های مالی و مالیاتی با موفقیت مدیریت دانش | ۰/۸۸۳                | ۶۶/۲۰۱           | ۰,۰۰۰          | تأیید          |

(جدول شماره ۹).

نشان می‌دهد که بخشی از عملکرد اقتصادی یک کشور به ظرفیت آن در ارائه سیاست‌های مناسب در بخش حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و دارای فناوری پیشرفته وابسته است.

این سیاست‌ها عملکرد این شرکت‌ها را به طور قابل توجهی بهبود می‌بخشند. سیاست‌های حمایت‌گری، هدایت‌گری، شبکه‌سازی، به اشتراک‌گذاری تجربیات و انتقال دانش در کنار سیاست‌های مشوق مالی و مالیاتی در بیشتر کشورها برای حمایت از مؤسسات دانش‌بنیان و فنآور در نظر گرفته شده‌اند.

در رابطه با فرضیه اصلی محقق براساس نتایج آمار استنباطی این‌گونه استدلال می‌کند که در صورت وجود سیاست‌های حمایتی منظم و یکپارچه از سوی دولت برای شرکت‌های با فناوری پیشرفته، مدیریت

مطابق با مشاهدات، معیار تصمیم‌گیری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است؛ بنابراین با اطمینان بالای ۹۹ درصد می‌توان گفت بین متغیرهای سیاست حمایتی هدایت‌گری و موفقیت مدیریت دانش با توجه به ضریب اسپیرمن ۰/۸۸۳ ارتباط مستقیم وجود دارد.

### ۱.۳. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در قالب ضریب همبستگی اسپیرمن، ضریب مجذور کای، معناداری آزمون‌ها در جدول شماره ۹ ارائه شده است.

### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات تجربی زیادی در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی طی پانزده سال گذشته

دانش در این شرکت‌ها تسهیل شده و می‌تواند به طور موفقیت آمیزی اجرایی شود.

مولر و زنکر به این نکته اشاره و تأکید می‌کنند که وقتی ارزش نامشهود محصولات باعث افزایش نقش دانش می‌شود، سیاست‌های حمایتی دولت‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به طور کلی، توسعه حمایت‌های دولتی، به عنوان دلیل مهمی برای تحول اقتصادی اخیر در کشورهای صنعتی بر اساس فعالیت‌های شرکت‌های با فناوری پیشرفته، مطرح شده است. (مولر و زنکر، ۲۰۰۱: ۱۰۵۱۱)

از سوی دیگر، این سیاست‌های حمایتی شرایط لازم برای استفاده از دانش منابع انسانی برای ایجاد ظرفیت‌های جدید خلاقیت و نوآوری، به‌روزآمدسازی دانش‌های نهفته و ارتباطات منابع انسانی را به‌گونه‌ای در شرکت‌های با فناوری پیشرفته ایجاد می‌کند که می‌تواند به عنوان مزیت رقابتی در نظر گرفته شود. (نیومن، ۱۹۹۹: ۴۲۲).

اینکه کدام سیاست‌های حمایتی روی کدام بُعد مدیریت دانش چگونه و به چه میزان تأثیر گذاشته است، بر اساس نتایج این تحقیق به شرح زیر قابل طرح است: سیاست‌های حمایتی دولت در فرضیه انتقال دانش، توانسته است تا شرایط لازم را برای کسب دانش برای متخصصان در شرکت‌های فناوری پیشرفته برای ورود به بازارها، جهانی‌سازی و تجاری‌سازی محصول و فناوری با هدف کمک به ایجاد قابلیت‌ها و جلوگیری از خروج سرمایه‌های انسانی در شرکت‌های با فناوری پیشرفته فراهم کند.

همچنین سیاست‌های حمایتی دولت در فرضیه انتقال تجارب و ایده‌ها نیز توانسته است تا به شرکت‌های فناوری پیشرفته کمک کند تا اطلاعات مورد نیاز تخصصی خود را با هدف توسعه کسب‌وکار،

بهبود فناوری، حفظ موقعیت رقابتی و جلوگیری از شکست به دست آورند.

در رابطه با سیاست‌های حمایتی دولت در فرضیه معماری، این سیاست‌ها نیز توانسته‌اند تا به شرکت‌های فناوری پیشرفته کمک کنند تا سازمان‌های پیشرو با قابلیت‌های مکمل را شناسایی کرده و همچنین شرکای احتمالی برای توسعه مهارت‌ها و فناوری‌ها و کسب بازارهای جهانی در سطح کلان را شناسایی کرده و الگوهای تعاملی مناسب درون و میان سازمانی را ایجاد کنند.

در رابطه با سیاست‌های حمایتی دولت در فرضیه شبکه‌سازی، این سیاست‌ها می‌توانند به شرکت‌های فناوری پیشرفته کمک کنند تا کانال‌های ارتباطی مورد نیاز این شرکت‌ها را شناسایی و معرفی کنند. همچنین با گروه‌های ذی‌نفع مورد نیاز (مشتریان، تأمین‌کنندگان، توزیع‌کنندگان، رقبا، نهادهای تسهیلاتی مورد نیاز و...) شرکت‌ها رابطه برقرار کرده و با هدفمند کردن اقدامات شبکه‌سازی، کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه، ورود به بازارهای بین‌المللی و تأمین موارد مورد نیاز اعم از دانش، منابع انسانی، فناوری، مواد اولیه و... را در سطح بین سازمانی ملی و بین‌المللی فراهم سازد.

در رابطه با سیاست‌های حمایتی دولت در فرضیه هدایت‌گری، این سیاست‌ها می‌توانند به شرکت‌های فناوری پیشرفته کمک کنند تا اطمینان حاصل کنند که همکاری بین گروه‌های ذی‌نفع هماهنگ و در تعادل با استراتژی‌های کلان دولت در حمایت از شرکت‌های دارای فناوری پیشرفته برای کمک به توسعه فعالیت‌ها است.

نقش هدایت‌گری به نوعی شامل حمایت‌های متنوع دولت در همه ابعاد فوق است که می‌تواند

از طریق مشاوران کارآزموده دولتی و خصوصی، دانشگاهی هستند تا بتوانند هم در خلق، هم در به اشتراک‌گذاری و هم در بهره‌برداری از دانش خود و سایر سازمان‌های مشابه ملی و بین‌المللی بهتر عمل کنند و از سوی دیگر، مسیر ورود به بازارهای فناورانه تجاری محصولات خود را هموارتر کنند.

همچنین این سیاست‌های حمایتی در شرکت‌های دانش‌بنیان تولیدی می‌توانند بسترهای لازم را برای کسب دانش برای متخصصان تولیدی و جلوگیری از خروج سرمایه‌های انسانی به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این شرکت‌ها فراهم آورد، چرا که بیشتر شرکت‌های تولیدی در حفظ و نگهداشت نیروهای استراتژیک چالش‌های اساسی دارند.

در باب سیاست‌های حمایتی مشوق‌های مالیاتی می‌توان اشاره کرد که ماهیت ذاتی مشوق‌های مالیاتی، آنها را از یارانه‌ها و دیگر سیاست‌های نوآوری متمایز می‌کند. مشوق‌های مالیاتی مؤسسات را در انتخاب پروژه‌های تحقیق و توسعه آزاد می‌گذارد و به بازارها اجازه می‌دهد که امیدوارکننده‌ترین پروژه‌های تحقیقاتی را انتخاب کنند.

این ابزار سیاستی همچنین هزینه‌های اجرایی کمتری برای دولت‌ها و مؤسسات نسبت به دیگر سیاست‌های نوآوری دارند. مشوق‌های مالیاتی، تحقیق و توسعه غیرتبعیض‌آمیز هستند و به شرکت‌ها حداکثر استقلال را در انتخاب و انجام تحقیق و توسعه و تحمل ریسک بیشتر را می‌دهند.

استفاده اثربخش از مشوق‌های مالیاتی مستلزم طراحی دقیق آنها است. استفاده از این مشوق‌ها در سراسر جهان امری متداول است و طی بیست سال گذشته ابزار سیاستی محبوب در کشورهای پیشرفته بوده است.

یکپارچگی و حرکت در مسیر اهداف را تضمین کند. اما نتیجه قابل تأمل علیرغم بخشی از این سیاست‌ها و حمایت‌های صورت گرفته آن است که بخشی از شرکت‌های فناورانه و دانش‌بنیان، از جمله شرکت‌های کوچک، متوسط و نوپا، استارت‌آپ‌های جدیدی هستند که در پارک‌های علم و فناوری مستقر شده‌اند. تعداد کمی از آنها رشد کافی داشته و توانسته‌اند به شهرک‌های صنعتی نقل مکان کنند. شرکت‌های دانش‌بنیان عمدتاً وظیفه طراحی و تولید محصولات جدید را بر عهده دارند. در واقع، شرکت‌های نوپا و کوچک اغلب به دلیل نداشتن زیرساخت‌های تولیدی و عدم توانایی ورود به بازار و مسائل مربوط به برند و نام تجاری از ورود مستقیم به بازار پرهیز می‌کنند.

این شرکت‌ها نمی‌توانند خودشان محصول را وارد بازار کنند و از طریق فروش محصول به شرکت‌های بزرگ این تجاری‌سازی و دسترسی به بازارها انجام می‌شود که از چالش‌های اصلی شرکت‌های ایرانی محسوب می‌شود.

بنابراین میزان فروش و توسعه بازار این شرکت‌ها به توانمندی آنها در ارتباط با صنایع بزرگ وابسته است. این امر نشان‌دهنده ناکافی بودن این سیاست‌ها یا همان‌طور که در تحقیق بیان شده، ضعف نسبی دولت در سیاست‌های به اشتراک‌گذاری تجربیات و شبکه‌سازی داخلی و خارجی برای شرکت‌های دانش‌بنیان است که خود نهایتاً مانع از انتقال بهتر دانش و تجاری‌سازی این شرکت‌ها می‌شود.

همچنین با توجه به آنکه درصد قابل توجهی از شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های تولیدی هستند، این شرکت‌ها هم از نظر معماری نیاز به اصلاح داشته و نیازمند توسعه بخش‌های سازمانی

تا پایان سال ۲۰۱۴، ۲۶ کشور از ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا از مشوق‌های مالیاتی تحقیق و توسعه استفاده کرده‌اند. همچنین این مشوق‌های مالیاتی در کشورهای غیر عضو مانند برزیل، چین، هند، روسیه، سنگاپور و آفریقای جنوبی توسعه داده شده‌اند.

هدف اصلی این ابزار سیاستی تشویق به سرمایه‌گذاری بیشتر در تحقیق و توسعه است که می‌تواند منجر به نوآوری بیشتر، بهره‌وری و رشد اقتصادی شود که استفاده از آن در ایران هم می‌تواند مؤثر باشد.

اعطای معافیت‌های مالیاتی نیز یکی از ابزارهای سیاستی رایج برای حمایت از نوآوری و تحقیق و توسعه در جهان است و معمولاً اولین ابزار حمایتی است که توسط سیاست‌گذاران در نظر گرفته می‌شود.

اعطای معافیت مالیاتی یکی از گزینه‌های جدی دولت‌ها برای حمایت از شرکت‌ها است، زیرا منجر به کاهش هزینه در شرکت‌ها می‌شود. در اکثر کشورها مخاطبان اصلی این معافیت‌ها، کسب‌وکارهای نوپا و مبتنی بر فناوری و دانش هستند.

در ایران نیز در سال ۱۳۸۹ به منظور تسهیل و ترویج شکل‌گیری و فعالیت این قبیل شرکت‌ها، قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان تصویب شده است.

این نوع معافیت‌ها در بند الف ماده ۳ قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان به صورت معاف از پرداخت مالیات، عوارض، حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض صادراتی به مدت پانزده سال اشاره شده است. در سال ۱۳۹۲ اعطای معافیت مالیاتی به شرکت‌های دانش‌بنیان آغاز شده است.

به منظور استخراج منطق و اهداف سیاستی ابزار معافیت مالیاتی، محتوای قانون و اسناد پشتیبان مرتبط با آن شامل قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، آیین‌نامه اجرایی قانون، دستورالعمل اجرایی ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی و تعهدنامه شرکت‌ها و مؤسسات متقاضی استفاده از مزایای قانون، مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت.

ارائه تسهیلات مالی به شرکت‌ها در بند ب ماده ۳ قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان به صورت تأمین تمام یا بخشی از هزینه تولید، عرضه یا به‌کارگیری فناوری و نوآوری با اعطای تسهیلات کم‌بهره و یا بدون بهره بلندمدت و یا کوتاه‌مدت بر طبق عقود شرعی اشاره شده است.

طبق ماده ۵ قانون، به منظور ارائه خدمات مالی تسهیلات به شرکت‌های دانش‌بنیان، صندوق نوآوری و شکوفایی تأسیس شده است که اساسنامه این صندوق در سال ۱۳۹۱ مورد تأیید قرار گرفت.

تسهیلات مالی ارائه‌شده به شرکت‌ها شامل تسهیلات قرض‌الحسنه (نمونه‌سازی) و قبل از تولید صنعتی و تسهیلات تولید صنعتی و سرمایه در گردش هستند.

از سوی دیگر، سیاست‌های تشویق مالی بر مدیریت دانش شرکت‌های دارای فناوری پیشرفته این‌گونه تأثیر می‌گذارد که تأمین مالی پروژه‌های دانشی منجر به نوآوری بیشتر و به نوبه خود افزایش فروش، افزایش سود کسب‌وکارهای مورد حمایت، افزایش بهره‌وری و غیره خواهد شد.

ارائه گزینت، اعتبارات و یا ضمانت وام به طور مستقیم به کسب‌وکارهای منتخب (برای همه متقاضیان باز بوده، اما سرمایه‌گذاری به طور انتخابی در بهترین پیشنهادها و تیم‌ها است) انجام

در شرکت‌های دانش‌بنیان، چه در درون آنها و چه بین آنها، با هدف تسریع و تسهیل درست دانش می‌تواند انگیزه‌بخش باشد.

به اشتراک‌گذاری دانش بر اساس سیاست‌های مستندسازی و نیز سیاست‌های شخصی‌سازی دانش برای انتقال دانش پنهان نهفته در سینه و قلب محققان یکی دیگر از توصیه‌هایی است که نیازمند فرهنگ‌سازی و هم‌نیازمند فناوری‌های زیرساختی در قالب جلسات ثبت تجارب و مدیریت دانش مرتبط با آن است.

هم‌راستا با سیاست‌های فوق محقق توصیه می‌کند که در جهت بهبود معماری دانش، در تمام شرکت‌های دانش‌بنیان هم از نظر ساختاری و هم از نظر فرایندی و وظیفه‌ای واحدی یا مسئولی با سمت مدیر دانش فراهم شود که همه دانش‌های سازمانی را در بخش‌های مختلف یکپارچه کرده و همانند واحد آموزش سازوکارهای انتقال، اشتراک، خلق و حتی بهره‌برداری را عهده‌دار شود.

شبکه‌سازی دانش ابزار بازاریابی مورد نیاز برای ورود شرکت‌هایی با فناوری پیشرفته در بازارهای جهانی با رقبا و سایر گروه‌های ذی‌نفع است و هم می‌تواند خارج از صنعت ایشان زمینه را برای تسهیل در تجاری‌سازی دانش مؤثرتر کند.

آنچه مشخص است این است که همان‌طور که بیان شد هدایت‌گری دانش همراه با سیاست معماری دانش ترکیبی بسیار خوب برای الزام تغییر ساختار و قرارگیری مدیریت دانش را در کنار سایر واحدهای سازمانی جهت هدایت‌گری فراهم می‌سازد.

جالب آن است که تمام شرکت‌های بزرگ دنیا در بخش‌های فناوری مانند تسلا از حمایت‌های حداکثری دولت تحت عنوان واحدی مستقل

می‌شود که ممکن است به اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه که در آن روی فرصت‌های امیدوارکننده هدف‌گذاری شده است، اینکه شرکت‌کنندگان تلاش بیشتری در پیگیری اهداف پروژه خود داشته باشند، ترجیح داده شود.

چنین رویکرد انتخابی، بین شرکت‌ها رقابت ایجاد می‌کند و احتمال دارد به روند صعود سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه در یک منطقه یا بخش صنعتی منجر شود.

یکی از موارد مهم در تحلیل سیاست‌های حمایتی از مدیریت دانش، بررسی نتایج و جابه‌جایی تأثیر سیاست‌های حمایتی است. چارچوب اثرگذاری مداخلات دولتی در مطالعات ارزیابی سیاست، اثرات پیاده‌سازی ابزارهای سیاستی از ابعاد مختلف ارزیابی شده است.

در اغلب مطالعات نظری، اثر افزودگی در برابر اثر جایگزینی یارانه‌های دولتی بر تحقیق، توسعه و نوآوری ارزیابی شده است. تدارک و ارائه حمایت‌های دولتی برای فعالیت‌های نوآورانه می‌تواند مؤسسات را وادار به افزایش تلاش‌های نوآوری خودشان کند که به عنوان اثر افزودگی در نظر گرفته می‌شود.

در مقابل، مؤسسات ممکن است با برخورداری از حمایت‌های دولتی، سرمایه‌گذاری خود در نوآوری را با تأمین مالی دولتی جایگزین کنند که در این صورت میزان منابع در نظر گرفته شده بخش خصوصی برای نوآوری با دریافت حمایت دولتی کاهش می‌یابد یا حذف می‌شود که این به معنی اثر جایگزینی است.

در ادامه، جهت نتیجه‌گیری در راستای سیاست‌های حمایتی به طور مشخص باید بیان کرد که در جهت انتقال دانش، قراردادهای معیارهای پاداش انتقال دانش بین نخبگان، محققان و نیروهای دانشی

استفاده‌کنندگان از سیاست‌های حمایتی، از جمله کارآفرینان به منظور بهبود کارکرد این خدمات، افزایش شفافیت، کاهش فساد و مهار شرایط اقتصادی نامساعد نظیر نرخ تورم بالا

• ساماندهی محیط‌های شلوغ و پر ازدحام متشکل از نهادهای متعدد بخش دولتی که از تشکیل شرکت‌های جدید، صادرات و سرمایه‌گذاری خارجی حمایت می‌کنند و تقویت نهادهای تأسیس‌شده مرتبط جهت اعطای استقلال لازم به آنها و همچنین جهت‌دهی و هدایت‌گری سازمان‌هایی که حمایت‌های مورد نیاز فنی، مالی، تجاری، قانونی و... خود را متناسب با گروه‌های هدف ارائه می‌کنند.

• کاهش تمرکز و حرکت به سمت عدم تمرکز: یکی از راهکارهای عملیاتی تحقق نقشه علمی کشور این است که باید سیستم تمرکزگرایی در این زمینه به سیستم عدم تمرکز گرایش یابد. ضمن آنکه هنوز بر اساس نتایج، حمایت مادی مهم‌ترین گزینه حمایتی است؛ ضروری است تا سیاست‌های تشویقی حمایت از محققان و کارآفرینان و ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان توسعه یابد تا دیدگاه جامعی نسبت به اقدامات مؤثر و اقدامات نیازمند توجه به دست آورد. (پورآتشی، ۱۳۹۹)

## ملاحظات اخلاقی

### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

### حامی مالی

مقاله حاضر برگرفته از رساله‌ی دکترای نویسنده اول (وحید قربانی) در گروه مدیریت مالی، دانشکده مدیریت

(اینترنشیپ) برخوردارند که مصداق آن حمایت از پروژه ایلان ماسک برای سفر فضانوردان بخش خصوصی آمریکا بود.

همچنین برای رفع موانع نهادی همان‌گونه که در مقاله بحث شد، پیشنهاد می‌شود دولت اقدامات ذیل را انجام دهد:

• توجه بیشتر دولت به اهمیت سطح سرمایه‌گذاری شرکت‌های تجاری تولیدی در تحقیق و توسعه برای توسعه اقتصادی

• تقویت و توسعه استانداردهای قانونی و حاکمیتی کنترل تعاملات غیررسمی میان عوامل اقتصادی از طریق اصلاح و ساده‌سازی قوانین و مقررات موجود

• اصلاح و تقویت قوانین مرتبط با حقوق مالکیت فکری

• مسئولیت‌پذیری دولت نسبت به تأثیرات ناشی از سیاست‌های غلط یا تغییرات مکرر سیاستی بر توسعه شرکت‌ها

• کاهش بوروکراسی و ایجاد شفافیت در فرایندهای تأسیس و ثبت شرکت و سایر فرایندهای کسب‌وکار

• تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه

• توسعه نظام‌های مالی متناسب با نیازهای شرکت‌ها: به عنوان مثال، در مراحل اولیه تبدیل ایده‌ها به محصولات تجاری به شکل سوبسید و برای مراحل پرهزینه‌تر توسعه و تجاری‌سازی و در مواقعی که ریسک شکست کوچک‌تر باشد، به شکل سوبسیدها یا گزینش‌های قابل بازپرداخت یا به کمک طرح‌هایی برای جذب سرمایه ریسک‌پذیر

• تأسیس نهادهای قانونی کارا مشخصاً برای



و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران است و حمایت مالی دریافت نکرده است.

### مشارکت نویسندگان

هر دو نویسنده در طراحی، اجرا و نگارش همه بخش‌های پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

### تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

## منابع فارسی

امیری، م. (۱۳۸۵). درآمدی بر شناخت‌شناسی چالش، در: تحقیق و پیاده‌سازی سند چشم‌انداز. *مطالعات دفاعی استراتژیک*، (۲۸)، ۳۳-۴۶.

پورآتشی، م. (۱۳۹۹). بررسی اقدامات حمایتی از کارآفرینی در دانشگاه‌های منتخب جهان و تحلیل گزینه‌های حمایتی در دانشگاه‌های ایران. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۰(۳۴)، ۸۲-۱۰۱.

مجیدپور، م. و نامداریان، ل. (۱۳۹۴). شناسایی موانع اجرای اسناد سیاست علم و فناوری کشور. *مدیریت نوآوری*، ۴(۴)، ۳۱-۶۰.

مومنی، ف. و عیلازاده، پ. (۱۳۹۲). تحلیل موانع نتیجه‌بخشی سیاست‌گذاری نوآوری در ایران از منظر نهادی. *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۲(۸)، ۷۳-۸۹.

نیومن، و. ل. (۱۳۹۷). *روشهای پژوهش اجتماعی رویکردهای کمی و کیفی*. ترجمه ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز. تهران: انتشارات ترمه. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliograph-ic/2519662>